

امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی
از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان^۱
**Investigating the Feasibility of Empowering the
Informal Settlements Quarters by Increasing the
Social Capital in Shir-Abad Quarter of Zahedan**

Taiebeh Sargolzaee Javan¹, Zohreh Hadyani²

Introduction: One of the factors of unsustainable urban development, especially in developing countries, is informal settlements which are developing in the cities alongside the increase in population and due to growing urbanization. Informal settlements create many problems and disparities with regard to physical, economic and social aspects in metropolises. Therefore, this requires the adoption of special measures and strategies in urban planning. Proposed approaches to seek a remedy differ from omission and demolition to improvement and empowerment of these settlements. Therefore, over time and with the failure of past approaches to solve the problems of informal settlements, new empowerment approaches emphasize on strengthening the social capital and using this capital to mobilize four other types of capitals (human capital, natural capital, financial capital and physical capital). Thus, the

طیبه سرگلزایی جوان^{*}، زهره هادیانی^{**}
مقدمه: یکی از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه گونه‌های از سکونتگاه‌ها با مشکلات حاد و در حال گسترش فزاینده موسوم به اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و فاقد مقررات نام‌برده که با رشد شهرنشینی شتابان ظاهر شده و به موازات افزایش جمعیت شهری در دنیا دامن‌گیر شهرها شده است و مشکلات و نابرابری‌های زیادی در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و ... در کلان‌شهرها به همراه داشته است، لذا نیازمند تدابیر ویژه و راهکارهایی در برنامه‌ریزیهای شهری است. راهکارهای ارائه شده برای چاره‌جویی، از حذف و تخریب تا بهسازی و توانمندسازی این سکونتگاه‌ها تنوع داشته است و در گذر زمان و با شکست رویکردهای پیشین نسبت به چاره‌جویی سکونتگاه‌های غیررسمی، در رویکردهای نوین توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تأکید زیادی بر تقویت سرمایه اجتماعی و استفاده از این سرمایه برای بسیج

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طیبه

سرگلزایی جوان می‌باشد

* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

** دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه

سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

<z.hadyani@gep.usb.ac.ir>

1. M.A in Geography and Urban Planning
2. Ph.D in Geography and Urban Planning,
<z.hadyani@gep.usb.ac.ir>

strategy of empowering has a special place in the informal settlements literature in the world.

Method: This study is descriptive-analytical and applicable. Through random sampling and Cochran's formula, 384 people 18 years old and above living in Shir-Abad quarter in Zahedan were chosen.

Findings: The indexes of participation (in environmental dimension), co-operation (in the physical, economic, social and environmental dimensions) and formal and informal networks (in the physical, social and environmental dimensions) were above average. The indexes of participation (in the physical and social dimensions), confidence (in the physical, economic, social and environmental dimensions) and formal and informal networks (in the economic dimension) were average and the index of participation (in economic dimension) was lower than average. Moreover, there was a significant correlation between all indicators and empowerment dimensions.

Discussion: The findings suggested that there is a two-way relationship between empowerment and social capital. Anything that causes social capital, also increases empowerment and

چهار نوع دیگر سرمایه (سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی) شده است. بنابراین راهبرد توانمندسازی امروزه در ادبیات ساماندهی اسکان غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد.

روش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و به لحاظ ماهیت کاربردی است. در این پژوهش جامعه آماری، شهروندان بالای ۱۸ سال در محله شیرآباد شهر زاهدان است که با روش نمونه‌برداری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد.

یافته‌ها: شاخص مشارکت (در بعد زیست محیطی)، شاخص همکاری (در بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی)، شاخص شبکه‌های رسمی و غیررسمی (در بعد کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی) در شرایط بالاتر از حد متوسط، شاخص مشارکت (در بعد کالبدی و اجتماعی)، شاخص اعتماد (در بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) و شاخص شبکه‌های رسمی و غیررسمی (در بعد اقتصادی) در حد متوسط و شاخص مشارکت (در بعد اقتصادی) پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند. همچنین ارتباط معناداری بین تمام شاخصها و ابعاد توانمندسازی وجود دارد.

بحث: یافته‌ها حاکی از آن است که یک ارتباط دو سویه بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندسازی را نیز افزایش می‌دهد و بالعکس. بنابراین

vice versa. Therefore, the conditions of Shir-Abad, as an example of urban margine neighborhoods, provide an opportunity to use strategy of empowerment through social capital.

KeyWords: empowerment, feasibility, informal settlements, Social capital

شرایط محله شیرآباد به‌عنوان یک نمونه از حاشیه‌های شهری ایران امکان استفاده از راهبرد توانمندسازی از طریق سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، امکان‌سنجی،

توانمندسازی، سرمایه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۰

مقدمه

شهرنشینی نوعی شیوه زندگی است که به همراه خود پدیده‌های مختلفی را برای زندگی بشر ایجاد کرده است؛ به عبارت دیگر نتایج و پیامدهای شهرنشینی ابعاد مثبت و منفی مختلفی داشته است. یکی از مسائلی که با زندگی شهری پیوند عمیقی دارد، پدیده‌ای با عنوان حاشیه‌نشینی شهری است که نمود فضایی روند شهری شدن فقر، به مثابه یک الگوی سکونت‌ی ویژه، بخش قابل توجهی از مردم عمدتاً کم‌درآمد را در خود اسکان داده‌اند (صراف‌ی و محمدی، ۱۳۸۴). از آنجا که مکان جغرافیایی بسیاری از محله‌های حاشیه‌نشین در شهرها با بروز معضلات شهری پیوند دارد بسیاری از مشکلات شهری را به این پدیده نسبت می‌دهند. با توجه به اینکه حاشیه‌نشینی شهری، یکی از بزرگ‌ترین معضلات شهری است؛ لذا تاکنون روشها و دیدگاههای مختلفی مانند خانه‌سازی، پاک‌سازی زاغه‌ها و آلودگها و گودهای مسکونی به منظور حل مسائل و مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی ارائه شده است که با شکست مواجه شده‌اند؛ بنابراین راهبرد توانمندسازی به منظور تقلیل نابرابریهای کالبدی، اقتصادی،

اجتماعی و ... امروزه در ادبیات ساماندهی اسکان غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد (قرخلو و میره، ۱۳۸۶). توانمندسازی، زمینه‌سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به‌کارگیری ظرفیتهای موجود است. لذا در گذر زمان و با شکست رویکردهای گذشته به چاره‌جویی برای سکونتگاههای غیررسمی، در رویکردهای نوین توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی، تأکید زیادی بر تقویت سرمایه اجتماعی شده است (مشیری و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو توانمندسازی از طریق سرمایه اجتماعی سبب ایجاد قابلیت در افراد و گروه‌های ناتوان برای مشارکت فعال و آگاهانه در تأمین رفاه فردی و اجتماعی می‌شود (اسدی محل‌چالی، ۱۳۹۴). از آنجایی که اساس موفقیت در توانمندسازی تأکید بر استفاده از ظرفیتهای درونی و پتانسیلهای مکان در ابعاد مختلف است لذا استفاده از شیوه مشارکت در توانمندسازی این نوع از سکونتگاهها عملاً مردم را در فرآیند طراحی، بهره‌برداری و اجرا درگیر خواهد کرد. استفاده از پتانسیلهای مردمی به شرط مشارکت‌پذیری آنان در فرآیند توانمندسازی ضرورت فرآیند برنامه‌ریزی را به سمت راهبردهای افزایش سرمایه اجتماعی راهنمایی کرده است (اسدی محل‌چالی، ۱۳۹۳).

در کشور ایران نیز، همراه با سایر کشورهای در حال توسعه جهان شاهد رشد و گسترش شهرنشینی و متعاقب آن اسکان غیررسمی بوده‌ایم که مهم‌ترین اثر و بدترین پیامد ناگوار مهاجرت عظیم به شهرها، شکل‌گیری و پیدایش بحران حاشیه‌نشینی است که این مناطق با مشکلات بنیادین از قبیل فقر، بی‌سوادی، سطح پایین آگاهی، نرخ بیکاری، سکونت غیررسمی،

اشتغال غیررسمی و ... دست به گریبانند (کارگر، ۱۳۸۹). در حال حاضر با توجه به آمار موجود در حدود ۸ میلیون نفر در ایران در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند که از دهه ۷۰ به بعد با گسترش ابعاد آن نه تنها سکونتگاه‌های غیررسمی بلکه در مواردی حتی مناطق دیگر را نیز تحت تأثیر قرار خواهند داد (رستم‌زاده، ۲۰۱۴). بنابراین عدم مداخله به شیوه‌ای که باعث بهبود کیفیت زندگی ساکنان شود ممکن است به ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود لذا بهبود شرایط تهی‌دستان شهری به ثبات سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود (باری و رادر، ۲۰۰۵).

گسترش خیره‌کننده زاهدان و نیاز به اسکان بخشی از جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی باعث شد روستاهای اطراف زاهدان با شتابی تمام رو به گسترش نهادند، به شکلی که شیرآباد که در شمال شرقی زاهدان قرار گرفته زمانی روستایی کوچک بوده در حالی که اکنون نمونه‌ای کامل و ویژه از سکونتگاه‌هایی است که به صورت غیررسمی به وجود آمد و مدتی از ارائه خدمات عمرانی مربوط به حوزه نفوذ شهر زاهدان محروم بوده است و اکنون به‌عنوان جزئی از محدوده قانونی شهر زاهدان دارای فرسوده‌ترین بافت و کالبدی سکونتگاهی است. بنابراین در شهرهای متوسط و یا بزرگ جهان سوم که نسبت‌های پرشماری را به لحاظ گسترش جمعیت دارند، بسیار دیده می‌شود و در این میان زاهدان مستثنی نیست (نوری، ۱۳۹۲).

محله شیرآباد به‌دلیل اینکه با مسائل حادث‌تری از جمله جوان بودن مواجه

1. Rostamzadeh
2. Barry and Ruther

هست و فضای باز زیادی برای توسعه در اختیار دارد یکی از چند سکونتگاههای غیررسمی در حاشیه شمالی شهر زاهدان است که تحقق توانمندسازی آن از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، به عنوان شرط اصلی از اهمیت بالایی برخوردار است و مطالعه حاضر سعی دارد امکان این توانمندسازی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه تجربی

پژوهش پیش رو از دو مفهوم عمده تشکیل شده است که هر یک از این دو مفهوم، یعنی سرمایه اجتماعی و توانمندسازی به طور مجزا، موضوع تحقیقات و پژوهشهای متعدد بوده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ میلادی وارد مباحث علوم اجتماعی و اقتصادی شد و از همان زمان تحقیقات گسترده‌ای در علوم انسانی به خود اختصاص داد. در جغرافیا نیز تحقیقات متنوعی در داخل و خارج کشور پیرامون ارتباط سرمایه اجتماعی با متغیرهای توانمندسازی انجام گردیده است که در ذیل به معرفی نمونه‌هایی از آن بسنده می‌شود.

فرلندر و تایمز^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «شبکه‌های محلی و سرمایه اجتماعی»، رابطه بین شبکه‌های محلی و سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، حمایت و اعتماد) در اجتماعات محلی را مورد بررسی قرار دادند. تحلیل اولیه نشان داد که سطح نسبتاً پایینی از سرمایه اجتماعی در بین پاسخ‌گویان وجود دارد. همچنین تعداد کمی از پاسخ‌گویان خود را از طریق اجتماع شناسایی کردند و حس تعلق به آن دارند. پومکاوا^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه خود در زمینه سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی در تایلند به این نتیجه دست یافته که مؤلفه‌های سرمایه

1. Ferlander and Timms

2. Poomkaew

اجتماعی از قبیل صداقت و همکاری به افزایش سطح مشارکت و توسعه مبتنی بر جامعه منجر می‌شود. گاریپ^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی موضوع مهاجرت روستا-شهری را با دیدگاه سرمایه اجتماعی بررسی کرده و معتقد است که سطوح و توزیع منابع سرمایه اجتماعی به تغییر در پویایی اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مناطق روستایی منجر شده است. مورگان^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «سهم سازمانهای دولتی در بنگلادش در توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه» که به بررسی سازمانهای دولتی به‌خصوص آموزش و پرورش پرداخت و به این نتیجه رسید که ظرفیت سازمانهای غیردولتی برای توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی به‌دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور محدود است. عباس‌زاده و گوهری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی با تکیه بر سرمایه اجتماعی، (نمونه موردی؛ شهرک شهید باهنر مشهد)» به این نتیجه رسیدند که تغییر نگرش ساکنین (که در سطح اول در جلب اعتماد و اطمینان) را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در مشارکت‌پذیری مردم در توانمندسازی شهرک شهید باهنر برشمرد. خاکپور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه موردی: کوی سجاده شهید)» به این نتیجه دست یافتند که می‌توان با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله‌ای دست یافت. نیازی و نصرآبادی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «توانمندسازی بر اساس راهبرد سرمایه اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که از آنجا که سرمایه اجتماعی تبلور اقتصادی فرهنگی اجتماعی یا سازمانی مبتنی بر اعتماد و مشارکت افراد است بنابراین هرگونه

1. Garip
2. Morgan

اقدامی از طرف مدیران برای غنی‌سازی فرهنگ سازمانی می‌تواند موجب افزایش سرمایه اقتصادی شود. مسعود و حق‌وردیان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: پیرامون محله استخر عینک رشت)» با استفاده از مدل‌های کمی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی، معیارهای پیوند همسایگی و اعتماد و مشارکت مدنی به سنجش میزان سرمایه اجتماعی (تعاون، همکاری و اعتماد متقابل) پرداخته‌اند: یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که محدوده مورد مطالعه از پتانسیل بالایی در زمینه همکاری و تعاون برخوردار است و بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی محله رابطه معناداری وجود دارد. عبدالهی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی محله‌های شهر شیراز» در این پژوهش تحلیل سه سطح از محله‌های شهر شیراز در قالب ۲۵۰ نمونه و در ۱۰ محله منتخب صورت گرفت. بر اساس یافته‌های میدانی این پژوهش سازمان فضایی منتج از شرایط و تحولات تاریخی محله‌های شهری در چارچوب الگوی مورد انتظار از توسعه پایدار محله‌ای نشان می‌دهد که در پی تغییرات و شرایط فعلی حاکم بر محله‌های شهری، بعد اجتماعی به‌ویژه حس تعلق، تعهد اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی دچار واگرایی اساسی شده است. پیری و رضاییان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز)» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های سیاست دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی) در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معنی‌داری دارند.

در رابطه با امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق سرمایه اجتماعی مطالعات وسیعی صورت گرفته اما در محله شیرآباد شهر زاهدان تاکنون مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته و پژوهش حاضر اولین قدم در جهت بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در این محدوده است.

چارچوب نظری

سکونتگاه‌های غیررسمی معلول شهرنشینی مدرن و گفتمان پیشرفت در عصر روشنگری است. این نوع سکونتگاهها با ابعاد مختلف خود، نمایشی فضایی-کالبدی از اجتماع‌پذیری غیراجتماعی افراد و گروه‌هاست (پیری و رضاییان، ۱۳۹۳). در این اجتماعات غیررسمی طی چند دهه اخیر با توجه به پدیده جهانی شدن و عصر ارتباطات جهانی ما شاهد کاهش روابط اجتماعی در این سطح هستیم. از این رو پیامدهای منفی جهانی شدن و ناکامی برنامه‌های نوسازی موجب پیدایش بازسازی زندگی اجتماعی مبتنی بر هویت محله‌ای شده است. این هویت تلاش دارد تا در مقابل نیروهای مخرب بیرونی به‌ویژه ناکارآمدی دولتها در تأمین خدمات اجتماعی، سرپناهی برای افراد فراهم آورد (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۹). لذا از مشخصه‌های برنامه‌ریزی محله مبنای، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی است و برای شکل‌گیری و انباشت این سرمایه‌ها نیازمند یک ساختار محله‌گرا در مدیریت و برنامه‌ریزی است. در ساختارهای تمرکزگرا، مبتنی بر دیدگاه سنتی، مدیریت براساس روابط عمومی و تقسیم‌بندیهای انعطاف‌ناپذیر سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌های همکاری و اعتماد متقابل شکل نمی‌گیرد. برنامه‌ریزی محله مبنای بر این نکته تأکید دارد که ساکنان محله‌ها طی تجربه مشترک و طولانی زندگی در یک محیط می‌توانند بسیاری از نیازها و ضرورت‌های روزمره زندگی خود را تشخیص

داده و در هماهنگی با مدیریتهای سطوح بالاتر به ایجاد محلات شهری پایدار کمک کنند، این رویکرد هماهنگی بیشتری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. در بعد برنامه‌ریزی، تمرکززدایی و واگذاری امور به سطوح محلی و خرد و حرکت به سمت یک نظام خودگردان برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای از دیگر مشخصه‌های عمده است که با تکیه بر سرمایه اجتماعی می‌توان آنها را به نحو مطلوب در شهرها به مرحله اجرا درآورد (محسنی تبریزی و آقامحسنی، ۱۳۸۹). از این رو جین جیکوبز (۱۹۶۱) «سرمایه اجتماعی محله» را عاملی مهم در افزایش امنیت محله، جریان اطلاعات در بین ساکنان محله و همیاری در امور مشارکتی می‌داند. در محله‌هایی که سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد، مسائل اجتماعی مثل اعتیاد، جرم و غیره کمتر است؛ به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در سطح محله، افزایش امنیت محله و کاهش جرائم را در پی خواهد داشت. به‌طور کلی محلات با سرمایه اجتماعی بیشتر، امن‌تر هستند، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسائل محلی دارند (باستانی، ۱۳۸۷). لذا سرمایه اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه محله‌ای شهری است؛ چرا که روابط و همبستگی درون شبکه‌ای (محله) را بهبود بخشیده و بدین ترتیب، دسترسی به منابع بیرونی را بهبود می‌بخشد (دال و نومن^۱، ۲۰۱۰). و به‌عنوان عامل تسهیل همکاری و هماهنگی که دستیابی به اهداف را با هزینه کمتر امکان‌پذیر می‌سازد، می‌تواند در سه سطح، خرد (در این سطح منافع مورد نظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی به دست می‌آورد)، سطح گروهی یا میانه (سرمایه اجتماعی در کنار منفعی که برای فرد دارد، می‌تواند در صورت تکرار و پایبندی تمامی اعضای گروه به تعهدات خویش، منفعی جمعی را پدید آورد که برای تمامی اعضای گروه

1. Dale and Newman

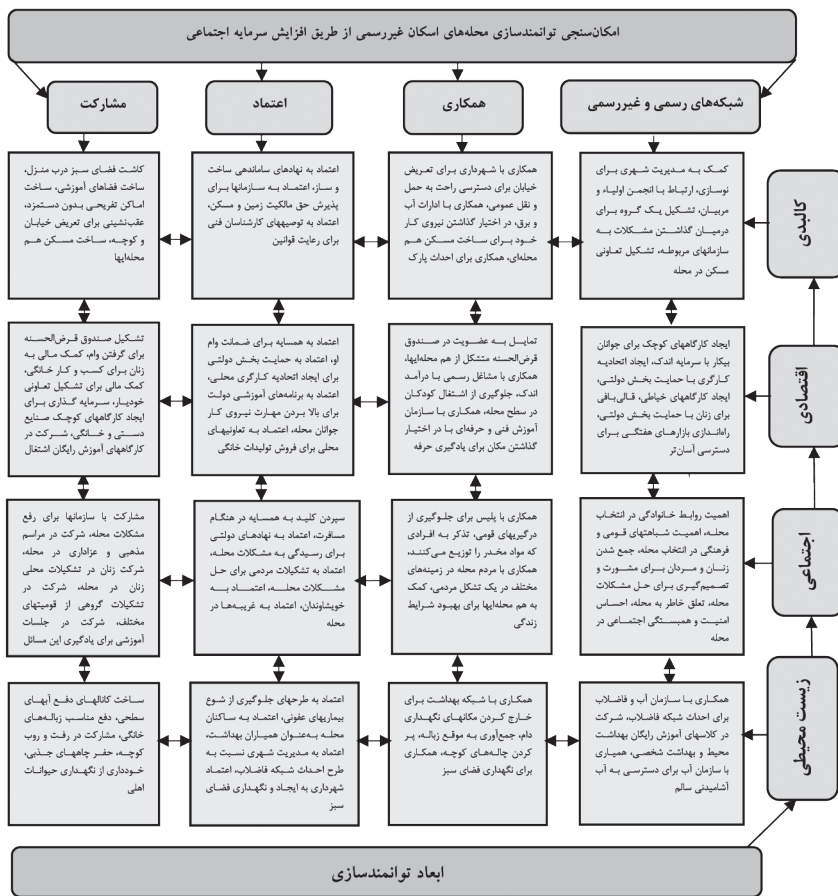
قابل استفاده باشد) و سطح اجتماعی یا کلان (وجود روابط افقی مبتنی بر اعتماد میان نهادهای مختلف جامعه منافع را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود) (فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵). از این رو سرمایه اجتماعی، از اصلی‌ترین شاخصهای مدرنیته و جهان مدرن به شمار می‌رود و می‌توان آن را مهم‌ترین هدف و معیار توسعه اجتماعی قلمداد نمود و این سرمایه موقعی انباشت می‌شود که ارتباط متقابل و مشارکت مردم در درون خانواده، محل کار، روابط همسایگی، انجمنهای محلی و عمومی شکل پیدا کند (رفیع‌پور و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو جدیدترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در امور شهرداری است که این مشارکت از الزامات زندگی شهری است و نبود آن مانع از شکل‌گیری سیستم پایدار شهری می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی به‌عنوان مقوله‌ای نوظهور در حوزه علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری، بر پایه مفاهیمی چون آگاهی، اعتماد و مشارکت استوار است که این سرمایه مجموعه‌ای از اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی است که موجبات انجام فعالیتهای مشارکت جویانه را فراهم می‌آورد و وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است (لطیفی و عظیمی، ۱۳۸۹). از این رو به‌کارگیری رویکرد مشارکت در توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی بی‌شک مستلزم بسیج نهادها و گروه‌های مردمی و استفاده از نظر کارشناسان خبره در این زمینه است. به عبارتی برنامه‌ریزی باید با مشارکت واقعی و با مردم باشد. توجه به یکپارچگی فضایی و اجتماعی حاشیه‌نشینان و ساکنین کم‌درآمد در گرو استفاده از توان و استعداد ساکنان است، در نتیجه تلاشهای موفقیت‌آمیز به منظور توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در بافتهای مختلف می‌شود. مشارکت و شمول، پاسخگویی و ظرفیت‌سازمانی محلی عناصر مشترک رویکرد توانمندسازی

هستند (ناریان، ۲۰۰۲) که از میان آنها مشارکت و تشریک مساعی تمام نقش آفرینان در کنار نقش تسهیل گر بخش دولتی امری حیاتی است. توانمندسازی بر دیدگاه فقرزدایی و توسعه پایدار انسان محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و شهر (مدیریت شهری) متکی است. فرآیند تبیین مفهوم مشارکت در رشد و توسعه سکونتگاههای بر پایه کمک به ساکنان به منظور درک توانمندیهای خود و پذیرش این نکته که بدون وابستگی به بیرون، می توانند در ارتقای کیفیت حیات جمعی مؤثر و عملاً در بهبود شرایط زندگی خود مفید باشند آغاز می شود. در این فرآیند توجه به سیاستهای توسعه اصلاح طلبانه (در برخورد با این پدیده نابهنجار شهری) به تدریج روند تکاملی خود را طی کرده و به سمت استراتژیهای تشکیل سرمایه اجتماعی سوق یافته اند. این امر در سایه مشارکت مردمی و با ظرفیت سازی و ایجاد نهادهای لازم (غیردولتی) و بالا بردن توانمندیهای گروه های اجتماعی (از طریق برنامه های آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و...) امکان پذیر خواهد بود که پیامدهای مطلوب متعددی از قبیل ارتقا شأن سکونت، گذر از حاشیه به متن، کاهش جرم، اعتمادسازی و... را در بر خواهد داشت (عباس زاده و گوهری، ۱۳۸۷).

بنابراین می توان گفت سرمایه اجتماعی به دلیل وجود طیف گسترده ای از توانمندیهای نهفته در آن، به عنوان یکی از مؤلفه های تأثیرگذار بر توانمندسازی جوامع نگرست که این توانمند کردن به نوبه خود در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح کیفیت زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است (خان، ۲۰۱۱).

1. Narayan
2. Khanh

شکل ۱- مدل مفهومی و عملیاتی تحقیق



فرضیه‌ها

بین شاخصهای سرمایه اجتماعی (مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی) و ابعاد مختلف توانمندسازی (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش

۱- ماهیت و روش تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل شاخصهای سرمایه اجتماعی به منظور توانمندسازی محله شیرآباد در شهر زاهدان با جمعیت ۵۹۲۳۹ است. ماهیت پژوهش «توصیفی-تحلیلی» و شیوه گردآوری داده‌ها «پیمایشی» است.

۲- جامعه و نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

در این پژوهش جامعه آماری، شهروندان بالای ۱۸ سال در محله شیرآباد شهر زاهدان است که با روش نمونه‌برداری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$n = \frac{\frac{(t)^2 * p * q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{(t)^2 * p * q}{d^2} - 1 \right)}$$

در فرمول فوق n حجم نمونه و N حجم جامعه مورد مطالعه، t اندازه متغیر در توزیع طبیعی، p درصد توزیع صفت در جامعه، d تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه را نشان می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۹۱).

$$n = \frac{\frac{(1.96)^2 * .5 * .5}{(.05)^2}}{1 + \frac{1}{59239} \left(\frac{(1.96)^2 * .5 * .5}{(.05)^2} - 1 \right)} = 384$$

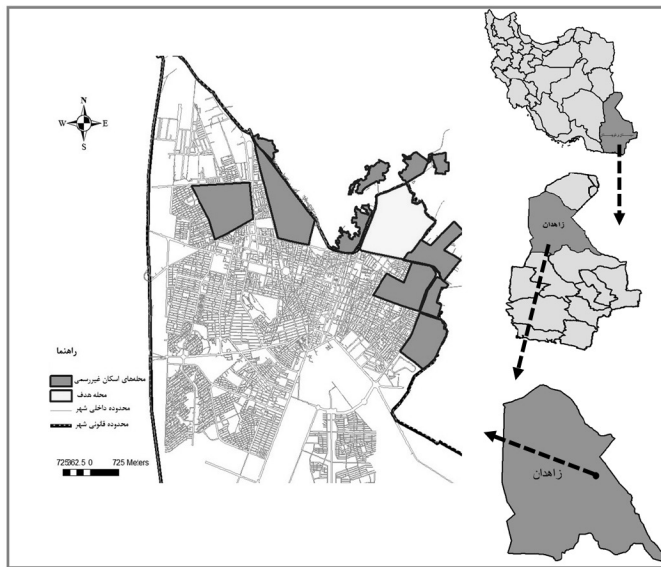
بر اساس فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای ۰/۵ درصد ۳۸۴ خانوار به‌عنوان نمونه تعیین شده‌اند.

۳- قلمرو پژوهش

شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران و نزدیک مرز ایران و کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارد. این شهر مرکز شهرستان زاهدان است (شکل ۲). وسعت زاهدان ۸۱۲۳ هکتار و از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه شمالی قرار دارد (مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۰). شهر زاهدان یکی از شهرهای کم‌برخوردار کشور به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات رفاهی برای ساکنین تلقی می‌شود. مرزی بودن شهر، اشتراکات فرهنگی با دو کشور افغانستان و پاکستان، خط ترانزیت کالا و مواد مخدر باعث عدم برخورداری شهر از پتانسیلهای مؤثر بر زندگی شهری شده است؛ به‌طوری‌که اغلب مهاجرین داخلی و خارجی شهر به علت مشکلات مالی، حاشیه شهر را که به‌عنوان مأمن اختیار کرده‌اند که این ساختارها بیشتر در قسمت شمال و شمال شرقی و شمال غربی شهر واقع شده‌اند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳). یکی از محله‌هایی که به صورت اسکان غیررسمی واقع شده محله شیرآباد با ۵۹۲۳۹ نفر جمعیت در انتهای شمال شرقی محدوده قانونی شهر زاهدان است. در پی وقوع انقلاب و پس از آن آغاز جنگهای داخلی افغانستان، زاهدان به علت

نزدیکی به افغانستان و وجود تشابهات فرهنگی، به اولین سر منزل آواره‌های افغانستانی تبدیل شد. به تدریج تعداد بیشتری از آواره‌های افغانستانی به دلیل عدم توانایی مالی برای خرید مسکن و یا پرداخت اجاره در داخل شهر، به مناطق حاشیه‌ای روی آوردند. به این ترتیب با گسترش روز افزون آلودگی‌های شهری و کپرنشینی، زمینه‌های ایجاد محله شیرآباد فراهم آمد (نوری، ۱۳۹۲) که ساختار کالبدی آن از دو الگوی روستایی درون شهری (بخش قدیمی شیرآباد) و خانه‌های متعارف اما خودساخته و زیر سطح استاندارد تهیدستان نامتشکل شهری تشکیل شده است (پیران، ۱۳۸۲).

شکل (۲) موقعیت جغرافیایی شهر زاهدان



۴- تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون T- test تک نمونه‌ای، تحلیل مسیر و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها

بین شاخصهای سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کالبدی رابطه وجود دارد.

یافته‌های به دست آمده (جدول ۱) نشان داد که شاخص مشارکت و اعتماد در این محله در حد متوسط و شاخصهای همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی بالاتر از حد متوسط قرار دارند. حال برای تأیید یا رد فرضیه فوق با توجه به سطح سنجش دو متغیر که فاصله‌ای هستند، ضریب همبستگی پیرسون به‌عنوان آزمون آماری انتخاب و محاسبه شد (جدول ۲).

جدول (۱) ارزیابی شاخصهای سرمایه اجتماعی در توانمندسازی کالبدی محله شیرآباد شهر زاهدان

حد متوسط توانمندسازی کالبدی = ۳						توانمندسازی	سرمایه اجتماعی
فاصله اطمینان %۹۵		اختلاف میانگین	sig)	(df)	مقدار t		
بالاترین	پایین‌ترین						
۱/۶۳	-۰/۳۳	۰/۲۵	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۱/۲۱	کالبدی	مشارکت
۰/۹۶	-۰/۵۱	۰/۷۲	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۱/۹۲		اعتماد
۱/۱۱	۰/۹۹	۱/۲۰	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۳/۵۸		همکاری
۱/۸۱	۰/۹۱	۰/۸۶	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۲/۴۷		شبکه‌های رسمی و غیررسمی

جدول (۲) رابطه بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی کالبدی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
مشارکت	توانمندسازی کالبدی	۰/۷۶۸	<۰/۰۰۱
اعتماد		۰/۶۷۹	<۰/۰۰۱
همکاری		۰/۷۵۵	<۰/۰۰۱
شبکه‌های رسمی و غیررسمی		۰/۷۴۹	<۰/۰۰۱

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی و توانمندسازی کالبدی به ترتیب برابر ۰/۷۶۸، ۰/۶۷۹، ۰/۷۵۵ و ۰/۷۴۹ را نشان می‌دهد که در سطح ۰/۰۰۱٪ معنادار هستند. بنابراین فرضیه مبنی بر وجود رابطه بین شاخصهای سرمایه اجتماعی در توانمندسازی کالبدی در محله شیرآباد تأیید گردید، به عبارت دیگر هر چه شاخصهای سرمایه اجتماعی بیشتر باشد توانمندسازی کالبدی در محله شیرآباد بیشتر شد.

بین شاخصهای سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی رابطه وجود دارد.

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد (جدول ۳) که شاخص همکاری سرمایه اجتماعی در توانمندسازی اقتصادی بالاتر از حد متوسط، شاخص اعتماد و شبکه‌های رسمی و غیررسمی سرمایه اجتماعی برای توانمندسازی اقتصادی در حد متوسط و شاخص مشارکت در توانمندسازی اقتصادی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند. حال برای تأیید یا رد فرضیه فوق با توجه به سطح سنجش دو متغیر که فاصله‌ای هستند، ضریب همبستگی پیرسون به‌عنوان آزمون آماری

انتخاب و محاسبه می‌گردد.

همان‌گونه که در (جدول ۴) مشاهده می‌گردد، ضریب همبستگی بین شاخص مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی و توانمندسازی اقتصادی به ترتیب با شدت همبستگی ۰/۵۰۹، ۰/۶۶۵، ۰/۶۹۸ و ۰/۷۴۳ در سطح $0/001 <$ معنادار است.

جدول (۳) ارزیابی شاخصهای سرمایه اجتماعی در توانمندسازی اقتصادی محله شیرآباد شهر زاهدان.

حد متوسط توانمندسازی اقتصادی = ۳						توانمندسازی	سرمایه اجتماعی
فاصله اطمینان ۹۵%		اختلاف میانگین	(sig)	(df)	مقدار t		
پایین‌ترین	بالا‌ترین						
-۰/۶۱	-۱/۵۳	-۱/۰۷	$<0/001$	۳۸۴	-۴/۶۶	اقتصادی	مشارکت
۰/۲۵	-۰/۷۵	-۰/۲۵	$<0/001$	۳۸۴	-۰/۹۸		اعتماد
۱/۶۳	۰/۸۵	۱/۸۰۰	$<0/001$	۳۸۴	۱/۷۷		همکاری
۰/۲۴	-۰/۸۵	-۰/۳۰	$<0/001$	۳۸۴	-۱/۱۲		شبکه‌های رسمی و غیررسمی

جدول (۴) رابطه بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی اقتصادی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
توانمندسازی اقتصادی	مشارکت	۰/۵۰۹	$<0/001$
	اعتماد	۰/۶۶۵	$<0/001$
	همکاری	۰/۶۹۸	$<0/001$
	شبکه‌های رسمی و غیررسمی	۰/۷۴۳	$<0/001$

بین شاخصهای سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی رابطه وجود دارد.

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد (جدول ۵) شاخص همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی برای توانمندسازی اجتماعی بالاتر از حد متوسط و شاخصهای مشارکت و اعتماد در محله شیرآباد در حد متوسط قرار دارند. ضریب همبستگی پیرسون بین شاخصهای مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی و توانمندسازی اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۶۸۹، ۰/۷۱۲، ۰/۶۹۶ و ۰/۶۳۷ را نشان می‌دهد که در سطح $<0/100$ معنادار است (جدول ۶).

جدول (۵) ارزیابی شاخصهای سرمایه اجتماعی در توانمندسازی اجتماعی محله شیرآباد شهر زاهدان.

حد متوسط توانمندسازی اجتماعی = ۳						توانمندسازی	سرمایه اجتماعی
فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	(sig)	(df)	مقدار t		
بالاترین	پایین‌ترین						
۲/۱۲	-۸/۱۲	-۳/۰۰	<۰/۰۰۱	۳۸۴	-۱/۶۲۷	اجتماعی	مشارکت
۰/۲۵	-۴/۲۵	-۲/۴۵	<۰/۰۰۱	۳۸۴	-۲/۸۲		اعتماد
۱/۸۶	۱/۰۳	۱/۴۴	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۶/۹۱		همکاری
۱/۸۴	۰/۲۸	۱/۰۶۲	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۲/۷۱		شبکه‌های رسمی و غیررسمی

جدول (۶) رابطه بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی اجتماعی

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
<۰/۰۰۱	۰/۶۸۹	توانمندسازی اجتماعی	مشارکت
<۰/۰۰۱	۰/۷۱۲		اعتماد
<۰/۰۰۱	۰/۶۹۶		همکاری
<۰/۰۰۱	۰/۶۳۷		شبکه‌های رسمی و غیررسمی

بین شاخصهای سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زیست محیطی رابطه وجود دارد. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد (جدول ۷) که شاخص اعتماد در توانمندسازی زیست محیطی در محله شیرآباد در حد متوسط و شاخصهای مشارکت، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی بالاتر از حد متوسط قرار دارد.

همان‌گونه که در (جدول ۸) مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین شاخصهای مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی و توانمندسازی زیست محیطی به ترتیب با شدت همبستگی ۰/۵۱۸، ۰/۶۰۱، ۰/۶۴۳ و ۰/۷۷۸ در سطح <۰/۰۰۱ معنادار می‌باشند.

جدول (۷) ارزیابی شاخصهای سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زیست محیطی محله شیرآباد شهر زاهدان

حد متوسط توانمندسازی زیست محیطی = ۳						توانمندسازی	سرمایه اجتماعی
فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	(sig)	(df)	مقدار t		
بالاترین	پایین ترین						
۱/۵۳	۰/۸۲	۱/۰۲	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۲/۴۹	زیست محیطی	مشارکت
۰/۲۶	-۰/۸۹	-۰/۳۱	<۰/۰۰۱	۳۸۴	-۱/۰۱		اعتماد
۱/۸۰	۰/۸۸	۱/۳۴	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۵/۷۶		همکاری
۱/۹۵	۱/۳۴	۱/۶۵	<۰/۰۰۱	۳۸۴	۱۰/۶۹		شبکه‌های رسمی و غیررسمی

جدول (۸) رابطه بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی زیست محیطی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
توانمندسازی زیست محیطی	مشارکت	۰/۵۱۸	<۰/۰۰۱
	اعتماد	۰/۶۰۱	<۰/۰۰۱
	همکاری	۰/۶۴۳	<۰/۰۰۱
	شبکه‌های رسمی و غیررسمی	۰/۷۷۸	<۰/۰۰۱

سرانجام برای ارتباط بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی شهروندان در محله شیرآباد شهر زاهدان از آزمون تحلیل مسیر استفاده گردید. تحلیل مسیر روشی است که در آن تلاش می‌شود تا روابط میان پدیده‌ها از حالت کیفی به حالت کمی درآمده که در این حالت می‌خواهیم بدانیم هر عامل تا چه اندازه بر معلول تأثیر می‌گذارد. جدول شماره (۱۷) نشان‌گر آن است که بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی ارتباط معناداری وجود دارد به طوری که شاخص همکاری با بتای ۰/۸۰۲، شبکه‌های رسمی و غیررسمی با بتای ۰/۷۱۹، اعتماد با بتای ۰/۵۰۷ و در نهایت مشارکت با بتای ۰/۵۰۱ به ترتیب دارای بیشترین تا کمترین میزان تأثیر را برای توانمندسازی محله شیرآباد شهر زاهدان را دارند.

جدول (۱۷) ارتباط بین شاخصهای سرمایه اجتماعی با توانمندسازی در محله شیرآباد شهر زاهدان.

Sig	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		شاخصهای سرمایه اجتماعی
		Beta	Std. error	B	
<۰/۰۰۱	۱/۹۸۵	۰/۵۰۱	۰/۰۳۲	۰/۹۷۵	مشارکت
<۰/۰۰۱	۲/۰۳۳	۰/۵۰۷	۰/۰۳۵	۰/۹۹۳	اعتماد
<۰/۰۰۱	۷/۷۷۰	۰/۸۰۲	۰/۰۲۰	۱/۷۰۱	همکاری
<۰/۰۰۱	۵/۶۵۰	۰/۷۱۹	۰/۰۲۹	۱/۴۳۲	شبکه‌های رسمی و غیررسمی

بنابراین به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که میزان سرمایه اجتماعی در توانمندسازی تأثیر گذاشته و بین آنها رابطه معناداری وجود دارد.

بحث

در این تحقیق، ارزیابی امکان‌سنجی توانمندسازی در محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد با چهار شاخص اصلی (مشارکت، اعتماد، همکاری و شبکه‌های رسمی و غیررسمی) در ابعاد (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج حاکی است شرایط محله شیرآباد شهر زاهدان امکان استفاده از راهبرد سرمایه اجتماعی جهت توانمندسازی کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را فراهم می‌کند. به‌طور کلی در این پژوهش هدف اصلی امکان‌سنجی توانمندسازی این محله از طریق سرمایه اجتماعی است. یافته‌های پژوهش نشان‌گر آن است که بین سرمایه اجتماعی با ابعاد توانمندسازی ارتباط معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که با توجه به آزمون تحلیل مسیر شاخصهای همکاری، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، اعتماد و مشارکت هر کدام به ترتیب بیشترین تا کمترین تأثیر را در محله شیرآباد شهر زاهدان دارند. در این پژوهش سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل و ابعاد توانمندسازی متغیر وابسته در نظر گرفته شد، نتایج ضریب همبستگی بالایی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج آزمونهای فوق، شاخص مشارکت در بعد «زیست محیطی»، شاخص همکاری در بعد «کالبدی»، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی»، شاخص شبکه‌های رسمی و غیررسمی در بعد «کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی» در شرایط بالاتر از حد متوسط، شاخص مشارکت در بعد «کالبدی و اجتماعی»، شاخص اعتماد در بعد «کالبدی،

اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی» و شاخص شبکه‌های رسمی و غیررسمی در بعد «اقتصادی» در حد متوسط و شاخص مشارکت در بعد «اقتصادی» پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند. همچنین ارتباط معناداری بین تمام شاخصها و ابعاد توانمندسازی وجود دارد که نشان‌دهنده آن است هرچه سرمایه‌های اجتماعی در محله‌های اسکان غیررسمی بیشتر باشد توانمندسازی این محله‌ها در سطحی بالاتر صورت می‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در یک ارتباط دو سویه با یکدیگر قرار دارند. بنابراین هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندسازی را نیز افزایش می‌دهد و بالعکس.

یافته‌های فوق با پژوهش پیری و رضاییان در بررسی امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی در محله‌های اسکان غیررسمی تبریز همخوانی دارد. آن پژوهش بیان می‌دارد که مؤلفه‌های سیاست دارایی بر مبنای توسعه اجتماعات محلی (سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی) در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معنی‌داری دارند. همچنین یافته‌های مسعود و حق وردیان در رابطه با نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی رشت حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی رابطه معناداری وجود دارد و در صورت برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک اهرم توانمند در بهسازی و احیای محله بهره‌جست که با یافته‌های فوق نیز همخوانی دارد. نتایج پژوهش حاضر مؤید این نکته مهم است که در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، همکاری مردم نسبت به سایر مؤلفه‌ها در حد بالاتری قرار دارد. از این رو امکان استفاده از این ابزار قوی جهت به‌کارگیری همکاری شهروندان در جهت رفع مشکلات محل سکونت و همکاری با نهادهای اجرای امنیت در

شهر و در نتیجه فراهم آوردن مقدمات توانمندسازی مهیا است. اگر چه بایستی جهت اعتمادسازی بین مردم و متولیان امور شهری چاره‌ای اندیشید از این‌رو تحقق توانمندسازی کالبدی در محله شیرآباد شهر زاهدان مستلزم افزایش اعتماد به نهادهای رسمی شهری است و نیز به سبب معناداری مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد توانمندسازی می‌توان بیان داشت توجه به سرمایه اجتماعی شرط انکارناپذیر توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی است، یعنی رسیدن به توانمندسازی در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بدون توجه به پتانسیلهایی چون مشارکت، اعتماد و همکاری و وجود شبکه‌های رسمی و غیررسمی بین مردم امری غیر قابل اجراست. به‌طور کلی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در یک ارتباط دو سویه با یکدیگر قرار دارند. بنابراین هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندسازی را نیز افزایش می‌دهد و بالعکس.

- ابراهیم‌زاده، ع.، بریمانی، ف. و نصیری، ی. (۱۳۸۳). حاشیه‌نشینان؛ ناهنجارهای شهری و راهکارهای تعدیل آن مورد شناسی؛ کریم‌آباد زاهدان. *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۲، پیاپی ۳، ۱۴۶-۱۲۲.
- اسدی محل‌چالی، م. (۱۳۹۴). *توانمندسازی اجتماع محور در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- اسدی محل‌چالی، م. (۱۳۹۳). تبیین اصول و روشهای توانمندسازی مردم در اجتماعهای محلی. *همایش ملی شهرسازی فرهنگ‌گرا*، دانشگاه شیخ بهایی، زمان همایش ۴ اردیبهشت، اصفهان.
- باستانی، س. (۱۳۸۷). بررسی سرمایه اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، (۲)۲، ۷۴-۵۵.
- پیران، پ. (۱۳۸۲). باز هم دریاب اسکان غیررسمی (مورد شیرآباد زاهدان). *مجله هفت شهر*، (۹ و ۱۰)، ۲۴-۷.
- پیری، ع. و رضاییان، م. (۱۳۹۳). امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی بر بنیان سیاستهای دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز)، *فصلنامه مطالعات شهری*، (۱۰)۳، ۷۲-۶۳.
- حافظ‌نیا، م. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ ۱۸، تهران: انتشارات سمت.
- خاکپور، ب.، مافی، ع. و باوان پوری، ع. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه موردی: کوی سجادیه مشهد). *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، (۱۲)۷، ۸۱-۵۵.
- ربانی خوراسگانی، ع.، صدیق اورعی، غ. و خنده‌رو، م. (۱۳۸۹). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۶، ۱۴۹-۱۱۹.
- رفیع‌پور، س.، داداش‌پور، ه. و رفیعان، م. (۱۳۸۹). بررسی ظرفیتهای سرمایه اجتماعی در چارچوب برنامه‌ریزی محله‌مبنا (نمونه موردی: مطالعه محله فیروز سالار گوگان). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳، ۲۳۹-۲۰۲.
- صرافی، م. و محمدی، ع. (۱۳۸۴). شکل‌گیری و گسترش اسکان غیررسمی؛ علل، چالش‌ها و راهبردها (مطالعه موردی: محله ترانس در شهر زنجان). *نشریه دانشکده علوم زمین*، ۱۱، ۵۹-۷۹.

- عبد‌الهی، م. (۱۳۹۲). ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی محله‌های شهر شیراز. *مجله مدیریت شهری*، ۳۲، ۱۸۴-۱۶۳.
- عباس‌زاده، ش. و گوهری، ح. (۱۳۸۷). توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی با تکیه بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: شهرک شهید باهنر مشهد). *اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران*، ۳۰ اردیبهشت، مشهد، ۱۶-۱.
- فیروزآبادی، ا. و ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان‌شهر تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶(۲۳)، ۲۲۴-۱۹۷.
- قرخلو، م. و میره، م. (۱۳۸۶). توانمندسازی اجتماعی، راه حلی برای حاشیه‌نشینی (شیخ‌آباد قم). *علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)*، ۳، ۱۱۱-۱۲۶.
- کارگر، ب. (۱۳۸۹). فضا، جامعه و امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلان‌شهر تهران (شهرستان اسلامشهر). *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱۱(۲۲)، ۴۲-۱۳.
- لطفی، غ. و عظیمی، م. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و نقش آن در برنامه ریزی و مدیریت شهری. *ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی، نقد و بررسی کتاب*، ۱۴(۳۲)، ۱۱۹-۱۰۸.
- محسنی تیریزی، ع. ر. و آقامحسنی، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری (مورد پژوهی: شهر محلات). *فصلنامه مدیریت شهری*، ۲۶، ۱۶۲-۱۴۷.
- مسعود، م. و حق‌وردیان، ف. (۱۳۹۱). نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی (مطالعه موردی: پیرامون محله استخر عینک رشت). *چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)*، ۷(۱۸)، ۱۴۰-۱۲۸.
- مشیری، ف.، صرافی، م. و دهبان، م. (۱۳۹۲). جایگاه سرمایه اجتماعی در توانمندسازی و ساماندهی اجتماعات ساکن در سکونتگاههای غیررسمی. *همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار*، تهران، انجمن محیط زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی، ۱۳-۱.
- مهندسین مشاور شهر و خانه (۱۳۹۰). *طرح جامع شهر زاهدان؛ مرحله اول، شناخت و بررسی شهر و تجزیه و تحلیل طرح*. شماره ۲.
- نوری، ا. (۱۳۹۲). *بررسی چگونگی تحقق‌پذیری طرح تفصیلی در بافتهای فرسوده شهری (مورد شناسی؛ بافت فرسوده محله شیرآباد زاهدان)*. پایان‌نامه منتشر نشده، سیستان و بلوچستان، زاهدان.

- نیازی، م. و نصرآبادی، م. (۱۳۸۸). توانمندسازی براساس راهبرد سرمایه اجتماعی. *تدبیر*، ۲۰۳، ۲۶-۲۱.
- Barry, M. & Ruther, H. (2005). *Data Collection Techniques for Informal Settlement*
- Dale, A. & Newman, L. (2010). (Social Capital: A Necessary and Sufficient Condition for Sustainable Community Development?). *Community Development journal*, 45(1), 5-21.
- Ferlander, S. & Timms, D. (2001). Local Nets and Social Capital. *Telematics and Informatics*, 18, 51-65.
- Garip, F. (2007). *From migrant social capital to community development: A relational account of migration, remittances and inequality*. Unpublished dissertation, Princeton University, New Jersey.
- Poomkaew, P. (2006). *Leadership, Social capital and community development in rural Thailand*. Unpublished dissertation, University of York, UK.
- Rostamzadeh, Y. (2014). *Organizing and empowering informal settlements in urban areas with the attitude of local residents; case study: Tohid area, Bandar Abbas*
- Khanh, Ho. & Le, Phi (2011). The Role of Social Capital to Access Rural Credit: A case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal of Thua Thien Hue province- Vietnam. *Journal of Development Economics*, 81(1), 213-235.
- Morgan, W. (2011). Non-governmental organizations in Bangladesh social capital development and community empowerment. *Community Development Journal*, 33(1): 369-385.